

# درنگی بر اعتراض اساتید کهنسال بر قانون تحصیلات عالی

علی قادری



اجتماعی دارد. در شرایط کنونی، مردم آگاهی از رسالت و نقش دانشگاه ها در جامعه ندارد. به همین خاطر، نافرمانی و اعتراض اساتید کهن سال و اساتید با درجه پایین علمی هیچ واکنشی را از سوی مردم بر نیاورده است. تا این جای کار، رسانه های کشور نقش خود را در آگاهی دهی انجام نداده است.

دوم؛ دانشجویان دانشگاه های کشور باید در یک حرکت مدنی حمایت خود را از فرمان رئیس جمهور کشور ابراز دارد و از اساتید دانشگاه ها بخواد که فرمان رئیس جمهور را بپذیرد و بگذارد که در دانشگاه ها اصلاحات به وجود آید. حرکت دانشجویان از این جهت مهم است که وضعیت دانشگاه ها را بهتر از همه درک می کند. توانایی اساتید را درک و فهم کند. رفتارها را استبداد گونه اساتید را هر روزه به چشم سر خود دیده است. دانشجویان اگر از آوردن اصلاحات هیچ دانشگاه ها حمایت نکنند، بدون شک، هیچ مردم نیز واکنش از خود نشان نخواهد داد. دانشگاه های کشور در دام وضعیت کنونی گیر خواهد ماند.

بنابراین، فرمان تقنینی رئیس جمهور امسری در راستای آوردن اصلاحات و بازگشتاندن دانشگاه های کشور به انجام رسالت اصلی و بنیادی شان در جامعه است. در سیزده سال گذشته، دانشگاه ها توانسته است خود را با وضعیت دانشگاه مردم برساند که این اساتید سال ها با اساتید کهن سال و اساتید با درجه علمی سرنوشته فرزندان مردم بازی نموده است و در آینده نیز قصد دارد با سرنوشته میلیون ها دانشجوی کشور بازی نماید. این کار اساتید را با مردم طرف می سازد. در آن صورت، دولت به راحتی می تواند فرمان تقنینی رئیس جمهور را اجرا نماید. زیرا، فرمان مشروعیت مردمی پیدا کرده و در آن صورت اساتید معترض قادر به ایستادگی در برابر مردم نیست. جدا از این مسئله، رسانه ها باید رسالت اصلی و بنیادی نهاد های تحصیلی را برجسته نموده تا مردم بفهمد که دانشگاه چه نقشی در تحول و دگرگونی های

فرمان تقنینی چند کار مهم باید صورت گیرد.

اول؛ مهمترین و اساسی ترین کار ممکن را می تواند رسانه ها انجام دهد. رسانه ها در عرصه اطلاع رسانی و تبلیغ نقش مهمی دارند. دانشگاه ها در عرصه اطلاع رسانی و تبلیغ نقش مهمی دارند. اساتید کهن سال و اساتید با درجه علمی پایین نباید. رسانه ها باید این پیام را به مردم برساند که این اساتید سال ها با اساتید کهن سال و اساتید با درجه علمی سرنوشته فرزندان مردم بازی نموده است و در آینده نیز قصد دارد با سرنوشته میلیون ها دانشجوی کشور بازی نماید. این کار اساتید را با مردم طرف می سازد. در آن صورت، دولت به راحتی می تواند فرمان تقنینی رئیس جمهور را اجرا نماید.

زیرا، فرمان مشروعیت مردمی پیدا کرده و در آن صورت اساتید معترض قادر به ایستادگی در برابر مردم نیست. جدا از این مسئله، رسانه ها باید رسالت اصلی و بنیادی نهاد های تحصیلی را برجسته نموده تا مردم بفهمد که دانشگاه چه نقشی در تحول و دگرگونی های

کهنسال و مضامین آموزشی غیر معیاری قادر نبوده است نقش مهم خود را در راستای توسعه یافتگی کشور بازی نماید. نیافتاد. تنها کاری که صورت گرفت این بود که دانشگاه ها محوطه شد. متون درسی غیر معیاری همچنان باقی ماند. اساتید کهن سال همچنان به کار خود ادامه داد. افراد متخصص و کار کشته به دانشگاه ها جذب نشد. به جای افراد دارای درجه لیسانس جذب شد. در واقع امر، می توان گفت که دانشگاه های کشور در چهارده سال گذشته وضعیت فاجعه بار داشته است.

نهادهای تحصیلات عالی به جای پیشسازی در راه توسعه و نوسازی مکانی برای زور آزمایی و فساد کارگزاران این نهاد ها شد. اکنون که فرمان تقنینی رئیس جمهور به منظور آوردن اصلاحات در این نهاد ها صادر شده است، مردم و رسانه ها کمتر به این مسئله هم واکنش نشان داده است.

واقعیت این است که نهادهای تحصیلات عالی مهمترین و اساسی ترین رکن توسعه و نوسازی در تمام کشورهای دانسته می شود. در افغانستان اما، نهادهای تحصیلات عالی به دلایل کدر علمی ضعیف و اساتید

گردد اما در طول سیزده سال گذشته هیچ تغییر بنیادی و اساسی در دانشگاه ها اتفاق نیفتاد. تنها کاری که صورت گرفت این بود که دانشگاه ها محوطه شد. متون درسی غیر معیاری همچنان باقی ماند. اساتید کهن سال همچنان به کار خود ادامه داد. افراد متخصص و کار کشته به دانشگاه ها جذب نشد. به جای افراد دارای درجه لیسانس جذب شد. در واقع امر، می توان گفت که دانشگاه های کشور در چهارده سال گذشته وضعیت فاجعه بار داشته است.

نهادهای تحصیلات عالی به جای پیشسازی در راه توسعه و نوسازی مکانی برای زور آزمایی و فساد کارگزاران این نهاد ها شد. اکنون که فرمان تقنینی رئیس جمهور به منظور آوردن اصلاحات در این نهاد ها صادر شده است، مردم و رسانه ها کمتر به این مسئله هم واکنش نشان داده است.

واقعیت این است که نهادهای تحصیلات عالی مهمترین و اساسی ترین رکن توسعه و نوسازی در تمام کشورهای دانسته می شود. در افغانستان اما، نهادهای تحصیلات عالی به دلایل کدر علمی ضعیف و اساتید

چند سال پیش قانون تحصیلات عالی جنجال برانگیز شد. آن قانون توسط استادان دانشگاه های کشور تدوین شده بود. اما زمانی که به مجلس نمایندگان رفت جنجال ها بر محور دانشگاه پوهنتون و دانشکده و پوهنزی شد. محتوای قانون به فراموشی سپرده شد. چندی پیش، رئیس جمهور غنی فرمان تقنینی در مورد اصلاحات در نهاد های تحصیلات عالی صادر کرد. بر اساس این فرمان اساتید که به سن تقاعد رسیده اند باید خانه نشین شود و جای آن ها را افراد ورزیده و متخصص و نیروی جدید و جوان بگیرند. بر اساس این فرمان تقنینی اساتید که درجه علمی شان لیسانس است نیز از کدر علمی دانشگاه ها خارج می شود. این فرمان تقنینی اما، منجر به صف آرای ها در دانشگاه ها شده است. اساتید که به سن تقاعد رسیده اند و اساتید که به سن تقاعد نزدیک شده است همراه با اساتید که درجه علمی لیسانس دارند دست به یکی کرده اند و در برابر این فرمان ایستادگی نموده است. این مجموعه اساتید دانشگاه چندین هفته است که حاضر نیستند از دانشجویان امتحان بگیرند. با گذشت چند هفته همچنان تنش و صف آرای ها ادامه دارد و دانشجویان بلا تکلیف مانده اند.

قدمت دانشگاه در افغانستان به زمان نادرخان و ظاهر شاه بر می گردد. در آن دوره، دانشگاه کابل به صورت خاص یکی از دانشگاه های معتبر در سطح منطقه محسوب می شد. روی کار آمدن کمونیست ها و درگیری منازعات داخلی منجر شد که نهاد های تحصیلات عالی فراموش گردد. زیرا، دولت قنادر به تأمین بودجه و گرفتن امنیت اساتید و دانشجویان نبود. در این دوره، دانشگاه بجای پرورش فرزندان جامعه به یک مکان سیاسی تبدیل شد و جریان های مختلف اسلامی و کمونیستی در درون آن سر بر آورد. نتیجه این مسئله این شد که جریان های مختلف برخاسته از درون دانشگاه وارد منازعات خونین شود. در دوره جدید انتظار می رفت که نهاد های تحصیلات عالی مظهر رشد و شکوفایی جامعه ویران شده افغانستان

سرمقاله

## افغانستان نیازمند همکاری سازمان های منطقه ای

حفیظ الله ذکی

نزدیک به چهاردهه است که افغانستان در جنگ و ناامنی به سر می برد. جنگ و اغتشاش دوامدار در عین حالی که تمامی زیربنای سیاسی، اداری و اقتصادی کشور را برباد داد، مناسبات سالم میان اعضای جامعه را نیز از بین برد و خصومت و بدبینی شدیدی را میان اقوام و کتله های مختلف اجتماعی به وجود آورد. در کنفرانس بین که با میانجیگری سازمان ملل و حمایت و پشتیبانی کشورهای قدرتمند جهان برگزار شد، تهداب یک افغانستان متحد و مستقل بر مبنای اصل برابری، برادری و عدالت اجتماعی گذاشته شد و مشارکت همه اقوام، مذاهب و کتله های اجتماعی در ساختار و چوکات نظام سیاسی در نظر گرفته شد.

سال ۲۰۰۲ نخستین باری بود که مردم افغانستان حاکمیتی را تجربه می کردند که بر اساس قانون به خود مردم تعلق داشت و مردم می توانستند حاکمیت شان را از طریق انتخابات اعمال کنند. مسأله مهم دیگر در این برهه حمایت ائتلاف بزرگ بین المللی مبارزه علیه تروریسم از نظام جدید سیاسی بود. کشورهای کمک دهنده میلیاردها دلار را برای بازسازی ساختارهای اداری و قانونی و انجام پروژه های ضروری اقتصادی اختصاص دادند.

ضعف ساختار مدیریتی کشور از یک طرف و وابستگی حکومت به کشورهای خارجی از سوی دیگر، سبب گردید که تمام تلاش ها، حمایت ها و کمک ها آنطوری که باید به مصرف نرسد. خلأ های مدیریتی و نظارتی و وارپزیدن حجم بزرگی از کمک ها، به کارگزاران داخلی و خارجی فرصت داد، تا از آن به نفع شخصی خود استفاده کنند. وجود حلقه های مافیایی موجود و چرخه های گسترده فساد در ادارات دولتی در واقع مولود نامیوم تابسانانی ها و خلأهای مدیریتی است که در سازمان های بین المللی و ادارات دولتی افغانستان قابل مشاهده بود.

به این ترتیب در چهارده سال گذشته بسیاری از فرصت های طلایی از دست رفت و افغانستان نتوانست از آن کمک ها و حمایت ها به نفع صلح، ثبات، توسعه و پیشرفت کشور استفاده نماید. پس از چهارده سال وقتی نیروهای خارجی خاک افغانستان را ترک می کنند و از حجم کمک های بین المللی کاسته می شود، افغانستان به یکبارگی به وضعیت قبلی خود بر می گردد و فقر، گرسنگی و بیکاری شیرازه زندگی بسیاری از خانواده ها را با خطر مواجه می سازد. امنیت بیشتر از گذشته در معرض تهدید قرار می گیرد.

در شرایط فعلی ما با حکومتی ضعیف، ازهم پاشیده، بی برنامه و اغلب ناهماهنگ مواجه هستیم که کارگزاران آن حد اکثر وقت خود را به امورات نه چندان مهم و با هم رقابت ها و قدرت نمایی های درون حکومتی سپری می کند. این حکومت نه توان و ظرفیت مبارزه و مقابله با چالش ها را دارد و نه اراده آن را تا هنوز به وجود آورده است.

زمانی که در یک کشور اقتصاد و امنیت متزلزل و در خطر باشد، امید به زندگی در میان اعضای جامعه سبب نزولی پیدا می کند. سیل مهاجرت شهروندان، فرار سرمایه و تعطیلی پروژه های تولیدی و اقتصادی در کشور، نشأت یافته از همان ترس و هراسی است که امروز دامن گیر مردم افغانستان گردیده است.

سوال این است که حالا چه باید کرد؟ آیا حکومت وحدت ملی می تواند، آب رفته را دوباره به جوی برگرداند؟ جواب این پرسش در میزان صداقت، دلسوزی، اراده جدی و تفکرات ملی گرایانه سران حکومت وحدت ملی وابسته است. حکومت به تنهایی نمی تواند با چالش ها مبارزه کند. بنابراین نیاز به حمایت های داخلی و بین المللی دارد. هنوز هم کشورهای دنیا علاقمند کمک به افغانستان هستند، به شرطی که آن کمک ها مثل گذشته به جیب اشخاص قدرتمند سرازیر نشود. بسیاری از کشورهای منطقه نیز خواهان امنیت و توسعه اقتصادی افغانستان هستند و امنیت افغانستان با منافع اقتصادی آن کشورها در منطقه به شدت گره خورده است. به شرطی که افغانستان از طریق دیپلماسی فعال و کارآ و از راه آوردن اصلاحات در نظام حکومتی و مبارزه جدی با فساد، حمایت سازمان های مهم منطقه و جامعه بین المللی را جلب کند. جلب حمایت کشورها و سازمان های منطقه ای و بین المللی نیازمند اعتمادسازی است. این که آیا حکومت اعتماد کشورها را به دست آورده می تواند یا نه، بستگی به سیاست ها و کارکردهای آن دارد.

## تحلیل هویتگرایی افراطی با استفاده از تئوری انتخاب عقلانی

منابعی که گرچه غیربازاری هستند، اما برای استفاده از آنها محدودیت وجود دارد.

بنابراین در نگرش اقتصادی مفهوم خاصی از عقلانیت فردی که بر اساس آن افراد در موقعیتهای مختلف بهترین گزینه را انتخاب می کنند و نتایجی را که بازده بیشتری به همراه داشته باشد به پیامدهای دارای بازده کمتر ترجیح می دهند، از پیش فرض شده است. (بادینسی، ۱۳۸۲: ۹۸) تحلیل اقتصادی به عنوان رویکرد و روش یسا ابزاری قابل اعمال در تمامی جنبه های زندگی اجتماعی لحاظ می شود که در آن انتخاب صورت می گیرد. (بابایی، ۱۳۸۶: ۱۶)

اکنون پس از اشاره به تئوری مورد استفاده در این پژوهش، به اصل موضوع باز می گردیم. با اینکه برخی صاحبنظران تحلیل رفتار افراطی را با کاربست نگرشی خردگرایانه، ناممکن دانسته اند و از دیدگاه آنان افراطگرایی یک فعالیت مبتنی بر منطق خردگرایی هزینه-فایده نیست که بتوان به راحتی آن را درک، کنترل یا مدیریت کرد (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۴۷) اما آنچه در پژوهش حاضر، مورد تأکید قرار گرفته است، این مطلب است که گاهی یک رفتار از نظر یک ناظر بیرونی در نگاه اول، با عقلانیت سازگار نیست، ولی می توان با در نظر داشتن برخی شرایط و نشان دادن محدودیتها به همان ناظر، می توان به این نتیجه رساند که آن رفتار با عقلانی است. در واقع با توجه به اینکه در تئوری اقتصاد خرد، روند دستیابی به یک هدف (مانند حداکثر کردن مطلوبیت یا حداقل کردن هزینه)، با توجه به محدودیتهای محیطی، مدنظر قرار می گیرد، با استفاده از این تئوری می توان به لحاظ محدودیتهای محیطی موجود، قابل توجیه بودن یک رفتار یا تصمیم را بررسی کرد. به عبارت دیگر، گاهی ممکن است عقلانی بودن یک رفتار، بدون در نظر گرفتن شرایط محیطی، مورد تردید باشد، اما با لحاظ کردن محدودیتها و با استفاده از تئوری اقتصاد خرد می توان نشان داد که آن انتخاب، انتخابی عقلانی بوده است.

تعریف افراطی گری درباره افراطی گری تعاریف مختلفی مطرح شده است. در اینجا به برخی تعریفهای مطرح شده از افراطی گری اشاره می کنیم و سپس به تعریفی که اساس پژوهش حاضر قرار گرفته است، می پردازیم.



مجتبی محکم / قسمت اول

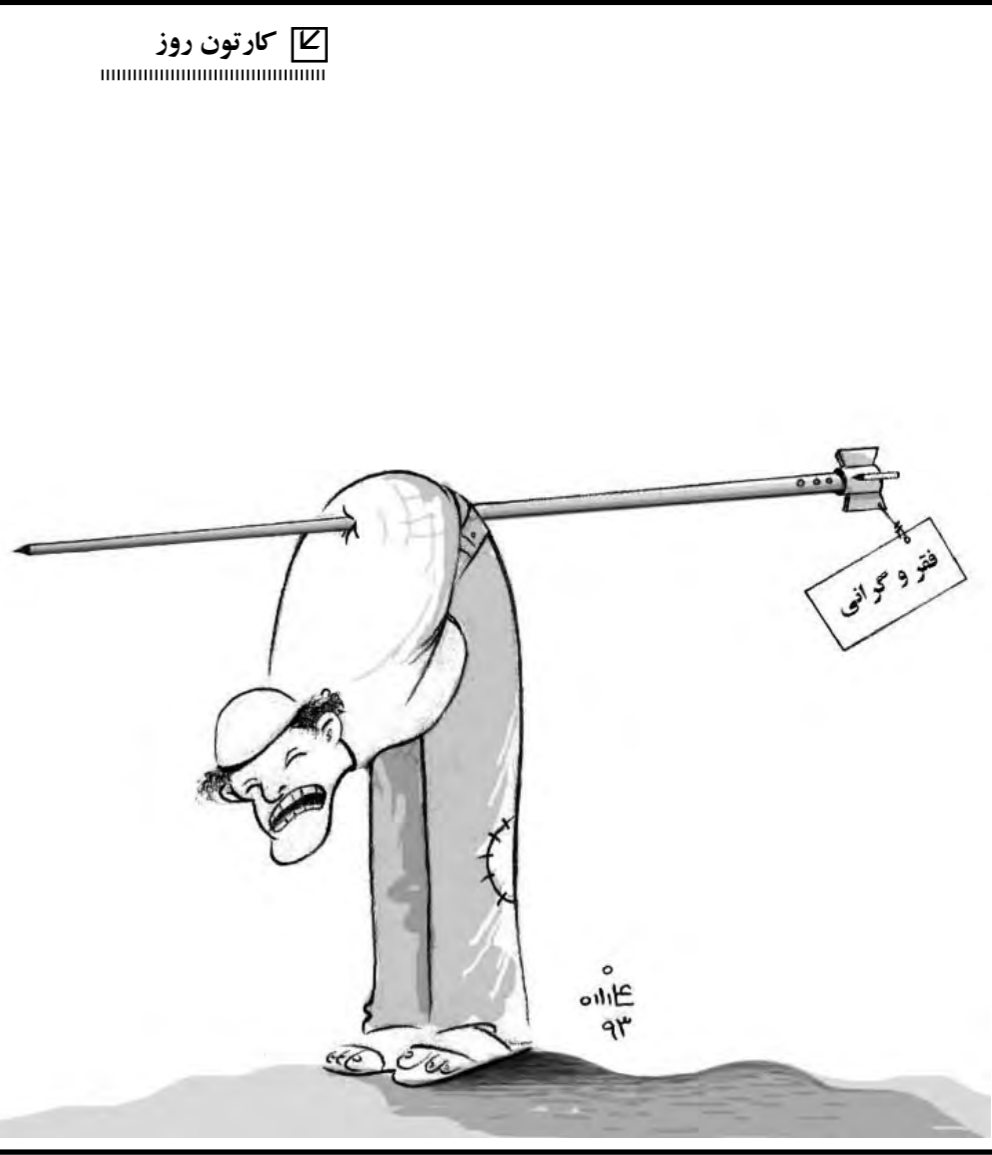
خود را به افراطگرایی متهم کنند و در واقع اصطلاحات افراطگرا و افراطگرایی، اغلب بدون فکر به مناسبات و حرفهای مغرضانه برای محکوم کردن مخالفان و منتقدان به کار می رود. (ویلاکای، ۱۳۸۲: ۱۰۷)

همچنین با اینکه برخی، افراطگرایی را اهداف خیرخواهانه و بشردوستانه را، امسری مثبت ارزیابی کرده اند و از دیدگاه آنان افراطگرایی برای دفاع از آزادی، ناپسند نیست و میانروی در راه عدالتطلبی نیز فضیلت نیست. (Goldwater، ۱۹۶۰: ۱۵) اما در ادبیات سیاسی امروزه جهان، مفهوم افراطگرایی با مفاهیمی همچون خشونت، ریشه گرایی و بنیادگرایی قرابت یافته است. البته افراطگرایی در عین نزدیک بودن به این مفاهیم، دقیقاً مترادف هیچ یک از این مفاهیم نیست و اساساً تعریف واحدی از آن ارائه نشده است.

در واقع نبود تعریفی واحد و دقیق از مفهوم افراطی گری درک این مفهوم را مشکل کرده است و واضح است که نبود درک از یک پدیده، مانعی در راه شناخت آن پدیده است و افراطی گری نیز از این وضعیت مستثنی نیست. بنابراین اگر امروز رفتار افراطی یک آسیب فرض شود، برای جلوگیری از گسترش دامنه آن لازم است که در گام اول شناخته شود و برای ناظر بیرونی قابل درک باشد تا امکان یافتن راهی برای کنترل آن فراهم گردد.

در این پژوهش بر آنیم تا بر اساس تئوری انتخاب عقلانی، سامانه های تحلیلی را برای درک افراطی گری ایجاد کنیم. نگرش به افراطی گری از این منظر به این جهت اهمیت دارد که بر این مبنا رفتار افراطی، رفتاری خودگرایانه تلقی می شود تا بستری مناسب برای شناخت این نوع رفتار فراهم شود. در اینجا بدون آنکه بخواهیم به بحثی عمیق در زمینه جایگاه عقلانیت در همه علوم انسانی بپردازیم به این نکته اشاره می کنیم که عقلانیت به عنوان پیشفرضی اساسی برای تئوری اقتصاد خرد به کار رفته است و قرابت تئوری انتخاب عقلانی و تئوری اقتصاد خرد به حدی است که در بسیاری متون تئوری اقتصاد خرد معادل تئوری انتخاب عقلانی در نظر گرفته می شود، چرا که

مقدمه شناخت رفتار افراطی از آن جهت اهمیت دارد که در جهان امروز، بروز بسیاری از ناهنجاری ها و خشونت های سازمان یافته را با افراطی گری مرتبط می دانند. نسبت داشتن با افراطگرایی امروزه اتهام بسیاری افسراد، گروه ها و حتی حکومت هاست. بسیاری از حکومت ها علاوه بر اینکه متهم اند در گذشته رفتار افراطی از خود بروز داده اند، حامل این اتهام نیز هستند که در پدید آمدن و تقویت گروه های افراطی نقش داشته اند. البته نبود تعریفی دقیق در این میان موجب شده است که اشخاص مختلف برای اینکه رقیب خود را تحت فشار قرار دهند، طرف مقابل



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا

مدیر مسوول: محمد رضا هویدا

سرمدیر: حفیظ الله ذکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷